

آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران^۱

□ دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی^۲
□ دکتر حسین غلامی^۳

چکیده

جرم‌شناسی به عنوان یک رشته تخصصی که موضوع آن مشاهده و مطالعه علمی علل ارتکاب جرم است، قدمتی بیش از صد سال دارد. جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آن مانند جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی و بزهکاری اطفال در ایران، بیش از نیم سده است که در برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های حقوق، دانشگاه پلیس و نیز در برنامه‌های درسی دانشکده‌های علوم اجتماعی با عنوانهای جامعه‌شناسی انحراف، آسیب‌شناسی اجتماعی و حتی با خود عنوان جرم‌شناسی گنجانده شده، تدریس و تحقیق می‌شود، ولی به رغم این قدمت، جنبه نظری - کاربردی این رشته به لحاظ مشکلات مربوط به آموزش و پژوهش آن، گسترش شایسته را در جامعه ما نیافته است.

۱. این نوشتار، مفصل سخنرانی نویسنده‌گان در همایش «بررسی مسائل علوم اجتماعی ایران» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ می‌باشد.
۲. استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ahnaus@yahoo.com).
۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

این نوشتار که در دو بخش تنظیم شده است، از یک سو به مشکلات آموزشی و از سوی دیگر، به مسائل پژوهشی جرم‌شناسی که به نوعی مانع توسعه این رشته شده، پرداخته است و در نهایت، ضمن ارائه راهکارهایی برای رفع این مشکلات، ضرورت گسترش جنبه‌های آموزشی-پژوهشی جرم‌شناسی را در ایران مورد تأکید قرار داده است.

کلید واژگان: جرم‌شناسی، جرم‌شناسی کاربردی، بزهکاری، پژوهشهای جرم‌شناختی، پیشگیری از بزهکاری، بازپروری بزهکاران.

درآمد

جرم‌شناسی یا بزه‌شناسی، به عنوان علم چرایی مجرم شدن انسانها و چرایی وقوع جرم، عمری بیش از یک سده دارد. صاحب‌نظران، اثر دکتر «سزار لمبروزو»، پزشک ایتالیایی، با عنوان *انسان/مرد بزهکار*^۱ (۱۸۷۶ م.) را که شامل نتایج مطالعات تجربی و تحقیقات میدانی او در زمینه انسان‌شناسی جنایی است، منشور جرم‌شناسی علمی، «رافائل گاروفالو»، حقوقدان ایتالیایی را واضع عنوان جرم‌شناسی^۲ و «انریکو فری»، حقوقدان ایتالیایی را بنیان‌گذار جامعه‌شناسی جنایی می‌دانند.^۳

بدین سان، رویکرد تجربی به جرم در قالب جرم‌شناسی که جنبه میان‌رشته‌ای دارد، در اواخر سده نوزدهم میلادی به رویکرد اخلاقی-حقوقی به این پدیده، یعنی حقوق کیفری، افزوده شد. از این رهگذر بود که واقعیت انسانی-اجتماعی جرم بیش از پیش مورد توجه قانونگذاران، حقوقدانان کیفری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، صاحب‌نظران علوم سیاسی، علوم اقتصادی و... قرار گرفت؛ چنان که حقوق کیفری یا حقوق جزایی کلاسیک (حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری) و به طور کلی، سیاست جنایی یا سیاست کنترل جرم به نوبه خود دست‌خوش تحولات ژرفی شد (در این باره، ر.ک: نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۱۳-۲۰؛ کی‌نیا، ۱۳۸۴؛ نوربها، ۱۳۸۳؛ دانش، ۱۳۸۴؛ نجفی توانا، ۱۳۸۴).

۱. Criminal Man.

۲. «Criminology»؛ این عنوان، در واقع، عنوان کتاب او در سال ۱۸۸۵ م. بود.

۳. «Criminal Sociology» گفتنی است که فری این عنوان را در چاپ سوم (۱۸۸۴ م.) برای کتاب خود انتخاب کرد. عنوان چاپ نخست این اثر در سال ۱۸۸۱ م. «افقهای نوین حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری» بود. (Les nouveaux horizons du droit pénal et de la procédure pénale)

جرم‌شناسی از آغاز سده بیستم، به عنوان یک رشته مطالعاتی تخصصی (دیسپلین) مستقل، به تدریج در سطح بین‌المللی و داخلی، جایگاه آموزشی و پژوهشی خاص خود را پیدا کرد.

جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی به طور مقدماتی در ۱۹۳۷ م. و عملاً در ۱۹۳۸ م. به ابتکار استادان عمدتاً ایتالیایی و با هدف پیشبرد مطالعات نظری و کاربردی جرم‌شناختی، در جهت علت‌شناسی جنایی و متحول ساختن قوانین و مقررات کیفری، در رم تأسیس شد که مقر کنونی آن در پاریس است (ر.ک: نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۲-۷۳: ۱۴-۱۳/۵۶۲-۵۶۸). انجمن بین‌المللی جرم‌شناسان فرانسوی زبان در ۱۹۸۷ م. و جامعه اروپایی جرم‌شناسی در ۲۰۰۰ م. تأسیس شد و هر یک، رسالت خود را ترویج مطالعات تطبیقی جرم‌شناختی از رهگذر برگزاری همایشهای جهانی و منطقه‌ای و انجام طرحهای پژوهشی در زمینه جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط تعیین کردند. سازمان ملل متحد نیز به نوبه خود از آغاز دهه شصت میلادی مؤسسه‌ها و مراکز مطالعات و پژوهشهای جرم‌شناسی وابسته و پیوسته‌ای را در قاره‌های مختلف ایجاد کرد و اعمال یافته‌های جرم‌شناختی را در سیاست جنایی مطلوب این سازمان از رهگذر اسناد مختلف بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار داد (ر.ک: نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۵: ۳۸۷/۱۸ و بعد؛ عالمی، مرداد ۱۳۷۵).

امروزه در اغلب کشورها جرم‌شناسی و شاخه‌های تخصصی آن، یعنی جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، روان‌پزشکی جنایی، زیست‌شناسی جنایی و رشته‌های مرتبط با آن، یعنی بزه‌دیده‌شناسی، کیفرشناسی، سیاست جنایی، جامعه‌شناسی کیفری و... به اقتضای نظام حقوقی-آموزشی آنها، یا در دانشکده‌های حقوق یا در دانشکده‌های علوم اجتماعی و یا به عنوان یک تخصص کاربردی-زیر عنوان جرم‌شناسی بالینی-در دانشکده‌های پزشکی تدریس و تحقیق می‌شود. حتی در بسیاری کشورها مؤسسه جرم‌شناسی به صورت یک نهاد آموزشی-پژوهشی مستقل یا وابسته به دانشکده حقوق یا دانشکده علوم اجتماعی تأسیس شده است که در حقیقت، مکمل آموزش جرم‌شناسی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری این دانشکده‌ها به شمار می‌رود (در این باره، ر.ک: -۲۲۶: ۲۰۰۳: Criminologie

۲۳۵.

آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران از همان آغاز، یعنی از شروع دهه ۱۳۳۰ شمسی به دانشکده حقوق محول شد و جزو درسهای دوره کارشناسی حقوق پیش‌بینی گردید. در همین چارچوب، گروه مستقل حقوق جزا و جرم‌شناسی نیز در دانشکده حقوق تأسیس شد؛ زیرا برنامه‌ریزی درسی دانشکده‌های حقوق در ایران از زمان گشایش آنها، با گردهمایی از نظام آموزشی دانشکده‌های حقوق فرانسه که جرم‌شناسی را به عنوان یکی از مواد درسی مربوط به حقوق جزایی در دوره کارشناسی پیش‌بینی کرده بودند، صورت گرفت (ر.ک: لاسال، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۱/۳۳۳ و بعد)، اما با گذشت زمان، دانشگاه پلیس (دانشگاه علوم انتظامی) و در دهه‌های اخیر، دانشکده‌های علوم اجتماعی و دانشگاه علوم بهزیستی نیز جرم‌شناسی و رشته‌های مشابه یا مرتبط با آن را در برنامه‌های درسی خود پیش‌بینی کردند. بدین‌سان، آموزش جرم‌شناسی در ایران، بیش از پنجاه سال سابقه دارد. یک دهه بعد، یعنی ۱۳۴۰ ش.، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران که تا آن زمان تنها دانشکده حقوق در سطح ایران بود، به گشایش «مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی» وابسته به گروه آموزشی علوم جزایی و جرم‌شناسی اقدام کرد. به موجب اساس‌نامه آن، مؤسسه علاوه بر پژوهش در زمینه‌های بزهکاری اطفال، بزهکاران حرفه‌ای، جرایم رانندگی، پیشگیری از بزهکاری و... در زمینه آموزشی نیز می‌تواند به منظور «تربیت متخصصان در رشته‌های مختلف علوم جنایی برای کارشناسان رشته حقوق برنامه‌های خاصی ترتیب بدهد و برای دانشجویان یا دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی و علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، خدمات اجتماعی و افسران ارتش، ژاندارمری و شهربانی و قضات نظامی، دوره‌های نیم‌ساله تشکیل داده، برای آنها گواهی‌نامه «مخصوص جرم‌شناسی» صادر کند». این مؤسسه پس از انقلاب فرهنگی که به تعطیلی موقت دانشگاهها منجر شد و بعد از بازگشایی آنها در ۱۳۶۲ م.، عمدتاً به اجرای طرحهای پژوهشی پرداخته است.^۱

۱. طرحهای پژوهشی در زمینه مهاجرت و جرم در حوزه قضایی کرج، سرقت اطفال و نوجوانان در تهران بزرگ، وضعیت کودکان خیابانی در مشهد، سیاست جنایی ایران و اسلام، جایگزینهای کیفر

«انجمن ایرانی جرم‌شناسی» به عنوان یک نهاد علمی غیر دانشگاهی در اردیبهشت ۱۳۷۲ ش. با تأیید کمیسیون انجمنهای علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی گشایش یافت. این انجمن، هدف عمده خود را اعتلا و گسترش «این دانش حقوقی و اجتماعی و پژوهش در آن» و نیز ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی در زمینه جرم‌شناسی و همکاری با مؤسسه‌های تخصصی داخلی و خارجی تعریف کرد (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۱۱۹/۱۲-۱۲۱). این انجمن تاکنون میزگردها و همایشهایی را در تهران و شهرستانها برگزار کرده است.

ولی جرم‌شناسی، به رغم سابقه نیم قرنیه آموزشی و پژوهش آن در ایران، به جایگاه نظری- عملی (کاربردی) شاخص و مؤثری که با توجه به قدمتش از آن انتظار می‌رود، نرسیده است و به لحاظ الف) آموزشی و ب) پژوهشی همچنان با موانع و آسیبهایی روبه‌روست؛ بنابراین، به راهکارهای جدیدی برای تحوّل و نوآوری نیاز دارد.

الف) آسیبهای آموزشی جرم‌شناسی

آموزش جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط، همواره با چالشهایی روبه‌رو بوده است:

۱. جایگاه کمی و کیفی نازل جرم‌شناسی در برنامه‌های درسی دانشکده‌های حقوق؛

۲. نبود آینده شغلی برای دارندگان این تخصص؛

۳. ناهماهنگی آموزشی بین دانشکده‌های مربوط در این رشته؛

۴. نبود دانشکده یا مؤسسه آموزش عالی ویژه این رشته تخصصی؛

۵. محتوای کلی مطالب ارائه شده در واحدهای درسی جرم‌شناسی.

۱. جایگاه کمی و کیفی نازل جرم‌شناسی در برنامه‌های درسی

دانشکده‌های حقوق

جرم‌شناسی در ایران، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، عمدتاً در دانشکده‌های حقوق

زندان، فرار دختران و همسرکشی، از جمله طرحهای انجام شده از سوی این مؤسسه است.

تدریس می‌شود. «حقوق جزا و جرم‌شناسی»، مانند دو روی یک سکه، عنوان گروه آموزشی مستقلی را تشکیل می‌دهد و انتظار می‌رود که هم‌سنگ و هم‌تراز هم، تدریس و تحقیق شوند، اما وجه غالب آموزش حقوق کیفری، چه از نظر کیفی و چه از نظر تعداد و تنوع واحدهای درسی در دانشکده‌های حقوق که البته با طبع و رسالت این دانشکده‌ها انطباق و ملازمه دارد، چنان است که در دوره کارشناسی، آموزش جرم‌شناسی در حد دو واحد اصلی (اجباری) و نیز آموزش رشته‌های مرتبط با آن، یعنی بزهکاری اطفال (دو واحد اختیاری) و کیفرشناسی (یک واحد اختیاری) را حاشیه‌ای و فرعی می‌نماید،^۱ به‌ویژه اینکه دل‌نگرانی اصلی دانش‌آموختگان حقوق، شرکت و قبولی در آزمون‌هایی مانند قضاوت، وکالت، سردفتری، کارشناس و مشاور حقوقی است که اطلاعات، دانش و تخصص جرم‌شناسی تأثیری در موفقیت در آنها ندارد و به هر حال، ضروری نمی‌نماید. وانگهی، در میان مواد آزمون ورودی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، جرم‌شناسی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین، برای قبولی در این دوره نیز داوطلب نیازی به آمادگی اشراف بر مباحث جرم‌شناسی احساس نمی‌کند.

بر خلاف کشورهایمانند کانادا، بلژیک و آمریکا، در ایران دوره‌های تخصصی جرم‌شناسی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری وجود ندارد تا دانشجویان بتوانند با گذراندن این دوره‌ها تخصص لازم را برای آموزش و یا فعالیت‌های علمی در زمینه‌های مرتبط با جرم‌شناسی کاربردی به دست آورند. آموزش جرم‌شناسی در غالب موارد به استادانی محول می‌شود که عمدتاً در رشته‌های مختلف حقوق کیفری تخصص دارند و رویکرد آنها به جرم، بیشتر جنبه حقوقی-قضایی دارد؛ بدین ترتیب، از یک سو، آموزش جرم‌شناسی با توجه به تعداد کم واحدهای مربوط، در حد انتظار دانشجویان نبوده و بنابراین، بهره‌مندی آنان از این درس، قابل

۱. شایان یادآوری است که در برنامه‌های دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، در مجموع، چهار واحد اصلی جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی و در برنامه‌های دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تنها دو واحد اصلی جرم‌شناسی، دو واحد اختیاری کیفرشناسی، دو واحد اختیاری بزهکاری اطفال و دو واحد اختیاری جامعه‌شناسی کیفری پیش‌بینی شده است.

مقایسه با استفاده آنان از آموزش حقوق کیفری نیست و از سوی دیگر، به رغم ترجمه‌ها، تألیفها و تصنیفهای موجود در قلمرو جرم‌شناسی، همچنان فقر منابع متنوع، اصیل و جامع که بتواند کنجکاوی علمی دانشجویان علاقه‌مند به این رشته را ارضا کند، وجود دارد.

۲. نبود آینده شغلی برای دارندگان تخصص جرم‌شناسی

فقدان ردیف شغلی برای جرم‌شناس یا متخصص جرم‌شناسی (کارشناس جرم‌شناسی) در سازمانهای دولتی و بخش خصوصی، یعنی عدم امکان استخدام به عنوان جرم‌شناس (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۷۲-۱۳۷۱: ۶-۷/۴۱۳ و بعد)، مشکل دیگری در سر راه گسترش آموزش این رشته است؛ به گونه‌ای که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به ندرت پایان‌نامه تحصیلی خود را به یک موضوع صرفاً جرم‌شناسانه اختصاص می‌دهند و در صورت ادامه تحصیل در خارج از کشور نیز رشته‌ها و موضوعهای فنی کیفری را ترجیح داده، آن را به عنوان تخصص و موضوع پایان‌نامه انتخاب می‌کنند.

۳. ناهماهنگی آموزشی بین دانشکده‌های مربوط به رشته

جرم‌شناسی

جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در دانشکده‌های علوم اجتماعی و دانشگاه علوم بهزیستی با همین عنوان یا با عنوانهایی چون آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحراف، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و... نیز ارائه و تدریس می‌شود، ولی بین استادان این مراکز آموزش عالی و استادان جرم‌شناسی دانشکده‌های حقوق، ارتباط پژوهشی، هم‌اندیشی و همفکری در مباحث نظری، طرحهای تحقیقاتی و نگارش مقاله و کتاب در زمینه جرم‌شناسی وجود ندارد؛ هر یک به اقتضای رشته تخصصی اصلی خود - حقوق کیفری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی - جرم‌شناسی را با رویکردها، اصطلاحات و معادل‌گذاریهای خاص خود برای مباحث، موضوعها و نظریه‌های یکسان تدریس

می‌کند و درباره آن قلم می‌زند. بدین سان، فقدان یک نهاد علمی «فدراتور»^۱ یا به عبارتی، نهاد علمی هماهنگ‌کننده و زمینه‌ساز تبادل نظر میان استادان جرم‌شناسی یا استادان متعلق به رشته‌های مختلف که در عین حال، آموزش جرم‌شناسی وجه مشترک آنان است، مانع دیگری برای گسترش هماهنگی و آموزش مؤثر این رشته مطالعاتی به شمار می‌رود.

۴. نبود دانشکده یا مؤسسه آموزش عالی ویژه رشته تخصصی

جرم‌شناسی

به رغم سابقه نسبتاً طولانی آموزش و تا اندازه‌ای پژوهش جرم‌شناسی، تنها مؤسسه تخصصی در کل دانشگاه‌های ایران که در زمینه جرم‌شناسی فعال است، هنوز همان «مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی» دانشگاه تهران می‌باشد؛ بدین ترتیب، گسترش مؤسسه‌های جرم‌شناسی علاوه بر اجرای طرح‌های پژوهشی مربوط به علت‌شناسی بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از وقوع و افزایش جرایم که ضرورت آنها بیش از پیش در جامعه کنونی ایران احساس می‌شود، می‌تواند آموزش تفصیلی جرم‌شناسی را نیز گسترش بدهد؛ امری که در نهایت، به نوعی تعامل، هماهنگی و همکاری مورد نظر میان این مؤسسه‌ها و گسترش جنبه‌های مختلف جرم‌شناسی منجر خواهد شد.

۵. محتوای کلی مطالب ارائه‌شده در واحدهای درسی

جرم‌شناسی

محتوای درسی جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آن تا چند سال اخیر در کنار تاریخچه، کلیات و مکاتب، مباحث عمده‌تأ جرم‌شناسی بالینی را شامل می‌شد. رویکرد بالینی، بزهکار را بیماری تلقی می‌کند که نظام کیفری باید زمینه و اسباب درمان او را فراهم کند. این رویکرد جرم‌شناسانه که تا اندازه زیادی، رسالت حقوق کیفری سزادهنده را زیر سؤال می‌برد و معتقد است قاضی کیفری باید جرم‌شناس

۱. Fédérateur.

باشد، عملاً مانعی در سر راه گسترش آموزش جرم شناسی بوده است؛ زیرا با انتقاد و موضع گیری حقوقدانان که رسالت اصلی حقوق جزایی را قبل از هر چیز، تنبیه مجرم به لحاظ مجرمیت او می دانند و اصلاح او را خارج از حوصله و صلاحیت نظام کیفری تلقی می کنند، روبه رو شده است.

بدین ترتیب، استاد و دانشجوی علاقه مند به مباحث جرم شناسی در ایران، به لحاظ حساسیتهای سیاسی، قضایی، پلیسی، اجرایی و... و نیز فقدان داده ها و یافته های حاصل از مطالعات میدانی بومی قابل استفاده در آموزش آن، کمتر گرایش، تمایل و امکان پرداختن به مباحث مربوط به مباحث جرم شناسی را پیدا می کنند؛ بنابراین، مشکلات و آسیب های موجود در سر راه پژوهشهای جرم شناختی، به نوبه خود، مانعی نیز برای گسترش و شکوفایی آموزش جرم شناسی و رشته های مرتبط در کشور ما به شمار می رود.

ب) آسیبهای پژوهشی جرم شناسی

جرم شناسی را مانند پزشکی به اعتبار اینکه جزو علوم مرگب است، به دو شاخه نظری و کاربردی تقسیم کرده اند.

جرم شناسی نظری یا عمومی در واقع، بخش علمی- مبنایی این رشته را تشکیل می دهد که شامل کلیه نظریه های مربوط به تبیین عمل مجرمانه و علل ارتکاب آن می شود.

جرم شناسی کاربردی را که در واقع، در پی اعمال دست آوردهای جرم شناسی نظری در سیاست گذاری مربوط به بازپروری بزهکاران، پیشگیری، کاهش یا محو جرم و نیز اصلاح قوانین و مقررات کیفری است، به سه زیرشاخه تقسیم کرده اند:

۱. جرم شناسی حقوقی (انتقادی) یا جرم شناسی سیاست جنایی: این شاخه، به نقد طرز کار و عملکرد قانونگذاری و نظام کیفری می پردازد و در جهت بهبود کارایی آنها به مناسبت، پیشنهادهایی را مطرح می کند (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، نیمسال دوم ۸۴-۱۳۸۳).

۲. جرم شناسی بالینی: همان طور که پیشتر بیان شد، این شاخه بزهکاری را نوعی

بیماری (آسیب) اجتماعی و مجرم را مستحق درمان جسمانی، روانی و اجتماعی می‌داند؛ بنابراین، از الگوی پزشکی معاینه و درمان استفاده می‌کند (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۹ به بعد).

۳. جرم‌شناسی پیشگیری: این شاخه به مطالعه وسایل و اقدامهای غیر کیفری، یعنی غیر قهرآمیز مؤثر در پیشگیری از جرم و مجرم شدن افراد می‌پردازد (پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی) (ر.ک: گسن، ۱۳۷۰؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۵۹ و بعد).

گسترش و اثربخشی جرم‌شناسی، بی‌تردید، مستلزم انجام دادن مطالعات و تحقیقات میدانی مستقل درباره بزهکاران، انواع جرایم ارتكابی، علل رشد نرخ بعضی جرایم، تأثیر قوانین و مقررات و نیز نظام کیفری بر منحنی بزهکاری است؛ به عبارت دیگر، پژوهشهای نظری-میدانی به جرم‌شناس اجازه می‌دهد تا ورای واقعتهای خشک حقوقی-قضایی، از واقعیات انسانی-اجتماعی بزهکاری نیز مطلع شود و در پرتو یافته‌های آن برای اصلاح یا تغییر ساختارهای قانونی، قضایی، پلیسی و اجتماعی (در واقع، سیاست جنایی) راهکارهایی را پیشنهاد کند.

با وجود این، پژوهشهای جرم‌شناختی نیز با چالشهایی روبه‌روست که به عنوان موانع گسترش تحقیقات در این قلمرو قابل مطالعه است:

۱. عدم استقلال مادی-فکری پژوهشگران؛
۲. نبود آمارهای جنایی علمی؛
۳. عدم امکان استفاده از روشهای کیفی برای مطالعه پدیده مجرمانه؛
۴. عدم اختصاص بودجه دولتی شایسته به پژوهشهای جرم‌شناختی؛
۵. عدم کمک بخش خصوصی به پژوهشهای جرم‌شناختی.

۱. عدم استقلال مادی - فکری پژوهشگران

ناگفته پیداست که پژوهشگر جرم‌شناسی به استقلال فکری و مادی نیاز دارد تا بتواند بدون فشارهای آشکار و ناآشکار سفارش‌دهندگان طرحهای پژوهشی که عمدتاً نهادهای دولتی‌اند و معمولاً انتقاد را بر نمی‌تابند، طرح پژوهشی خود را به سرانجام برساند؛ چراکه وابستگی مادی و شغلی به کارفرمایان تحقیقاتی و نیز

حساسیتهای آنان، سبب می‌شود که پژوهشگر، نتایج تحقیقات خود را با محافظه‌کاری مطرح کند و به جای طرح راهکارهای تفصیلی، پیشنهادهای ناملموس و کلی را برای حل مسئله بزهکاری و علت‌شناسی آن ارائه دهد.

۲. نبود آمارهای جنایی علمی

آمارهای جنایی، خود، یکی از وسایل انجام مطالعات کمی درباره بزهکاری و بزهکاران است؛ آمار جنایی، بر حسب اینکه در چه مرحله‌ای از فرایند کیفری گردآوری و تنظیم شود، متفاوت و بیانگر یک نوع از بزهکاری است؛ برای مثال، آمار جنایی پلیس و دادسرا، جرایم ارتكابی را که به اطلاع نهادهای انتظامی و دادسرا رسیده است، احصا می‌کند (بزهکاری ظاهری) و آمار جنایی دادگستری بیانگر تعداد جرایم و بزهکارانی است که در مراجع قضایی رسیدگی و محکوم شده‌اند (بزهکاری قضایی یا قانونی) (درباره انواع آمارها، ر.ک: رحمدل، ۱۳۸۳: ۴۹-۱۰۲/۴۸ و بعد).

تردیدی نیست که بخشی از جرایم ارتكابی، به دلایل مختلف، در این آمارها منعکس نمی‌شود؛ از این رو، بزهکاری واقعی، به لحاظ وجود رقم یا بخش سیاه یا پنهان بزهکاری، همواره ناشناخته باقی می‌ماند. با وجود این، چنانچه آمارهای پلیسی و قضایی با دقت تهیه و تنظیم شود، ممکن است به طور کلی، تصویر قابل مطالعه‌ای را از جرایم ارتكابی در اختیار پژوهشگر قرار دهد و به عنوان اماره‌ای در پژوهش جرم‌شناختی مورد استفاده او قرار گیرد، ولی در عمل، ضریب دقت در آمارها به طور کلی پایین است؛ گویی تنظیم آمارهای جنایی بیشتر به منظور رفع نیازهای درون‌سازمانی (از جمله ارائه کارنامه فعالیت ماهانه یا سالیانه سازمان مربوط) و بیشتر با هدف اخذ بودجه و امکانات اداری از سوی آن سازمان صورت می‌گیرد؛ بنابراین، چنین آمارهایی از نظر علمی، اعتبار زیادی ندارد. با وجود این، آمار کلیه جرایم ارتكابی ثبت شده، اغلب محرمانه اعلام می‌شود و قابل استفاده در طرحهای پژوهشی جرم‌شناختی نیست.

۳. عدم امکان استفاده از روشهای کیفی برای مطالعه پدیده

مجرمانه

روشهای کیفی، یعنی مطالعه بایگانی جنایی (پرونده‌های کیفری دادگستری)، مصاحبه با بزهکاران، بزه‌دیدگان، قضات، ضابطان قضایی، زندان‌بانان و... که اجازه می‌دهد تا ورای اقدامها و تصمیم‌گیریهای متعارف و حسب وظیفه نهادهای آموزشی، بهداشتی، انتظامی و قضایی، آسیبهای ساختاری تقنینی، اجتماعی و اقتصادی جرم‌زا (انحراف‌زا) شناسایی شود، اغلب مورد استقبال مسئولان قرار نمی‌گیرد و به مجوزهای اداری نیاز دارد. فرایند اخذ مجوزهای پژوهشی، حتی زمانی که سفارش‌دهنده طرح پژوهشی، خود، یک نهاد رسمی است، بسیار طولانی و دیوان‌سالارانه است؛ چنان که بیشتر اوقات انصراف آور، فرساینده و به هر حال، منفعل‌کننده است؛ بدین سان، پژوهشگر جرم‌شناس در نهایت، به مطالعات نظری صرف در این رشته اکتفا می‌کند. به همین سبب، بین دانشگاهها و مراکز مطالعاتی وابسته به سازمانهای دولتی فعال در زمینه مبارزه با بزهکاری، ارتباط کاری مؤثری وجود ندارد و اغلب لوايح و طرحهای قانونی که به نوعی به بزهکاری مربوط می‌شود، مسبوق به مطالعات کارشناسانه جرم‌شناسانه نیست.

بنابراین، جای شگفتی نیست که استادان و پژوهشگران جرم‌شناسی در آثار خود، همچنان از دستاوردهای پژوهشی هم‌تایان خارجی خود برای روشن کردن مباحث نظری استفاده می‌کنند.

۴. عدم اختصاص بودجه دولتی شایسته به پژوهشهای

جرم‌شناختی

ناگفته پیداست که هر طرح پژوهشی به بودجه و امکانات کافی و مناسب خود نیاز دارد. طرحهای پژوهشی جرم‌شناسانه نیز از این امر مستثنا نیست، ولی در عمل، این قبیل طرحها و به طور کلی، طرحهای تحقیقاتی در قلمرو علوم انسانی، کمتر مورد استقبال و تأیید قرار می‌گیرد و به هر حال، از بودجه متناسب با نیازهای آن، برخوردار نمی‌شود؛ از جمله علل آن، این است که از یک سو، اغلب کسانی که

برای چنین پژوهشهایی تصمیم می‌گیرند، یا در فرایند اجرای آنها مداخله و نظارت می‌کنند، در رشته‌های دیگر، به‌ویژه علوم تجربی، تخصص دارند و چه بسا به ضرورت و کاربرد یافته‌های جرم‌شناختی اعتقادی نداشته باشند و از سوی دیگر، آثار اعمال نتایج، راهکارها و یافته‌های پژوهشهای جرم‌شناسانه در سیاست جنایی در کوتاه‌مدت ملموس و آشکار نمی‌شود تا مسئولان در گزارش خود، توجیهی برای مبلغ اختصاص داده شده در برابر مقامهای مافوق داشته باشند...

۵. عدم کمک بخش خصوصی به پژوهشهای جرم‌شناختی

بر خلاف بسیاری از کشورها، بخش خصوصی در ایران که البته از نظر کمی و کیفی هنوز گسترده نیست، در تحقیقات جرم‌شناختی سرمایه‌گذاری نمی‌کند و آن را صرفاً از وظایف نهادهای دولتی مرتبط با مبارزه علیه جرم تلقی می‌کند. به طور کلی حمایت مالی بخش خصوصی از پژوهشهای جرم‌شناسانه، در ایران به یک سنت تبدیل نشده است. حال آنکه مثلاً در بخشهای صنعتی، غذایی، فن‌آوری اطلاعات و...، یافته‌های این قبیل تحقیقات، بی‌تردید ممکن است در پیشگیری از جرایم مربوط و نیز مقاوم کردن تولیدات آنها در برابر وسوسه‌های مجرمانه نقش مؤثری داشته باشد و در نهایت، هزینه‌های بزهکاری را برای خود شرکتها و مؤسسات تولیدی و خدماتی (برای نمونه، صنعت خودروسازی، بانکها و مؤسسات اعتباری) و نیز مصرف‌کنندگان، یعنی بزه‌دیدگان بالقوه (برای نمونه، مالکان خودروها، دارندگان چک و کارتهای اعتباری) کاهش دهد و کمکی به تأمین و تحقق امنیت عمومی که البته از وظایف دولت است نیز باشد (امنیت مشارکتی ناشی از سیاست جنایی مشارکتی).

نتیجه‌گیری

کنترل جرم از رهگذر توسل به سازوکارهای قهرآمیز (نظام کیفری) و سازوکارهای غیر قهرآمیز و اقناع‌آور (جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و...) از تکالیف دولتها و از موارد اعمال حاکمیت آنها به شمار می‌رود؛ بنابراین، سیاست جنایی هر

کشور، یعنی اشکال مختلف کنترل پدیده مجرمانه، و جهت‌گیریهای آن تابعی از ماهیت سیاسی نظام حاکم بر آن کشور است.

مطالعات جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر نه تنها حقوق کیفری، بلکه به طور کلی سیاست مقابله با بزهکاری را متحول و متنوع ساخته است، لکن لحاظ یافته‌های جرم‌شناسی در تنظیم، تدوین و بازنگری سیاست جنایی همه کشورها یکسان نبوده است. پاره‌ای از دولتها به اقتضای نوع نگرش سیاسیشان به جرم، کیفر، بزهکار و بزه‌دیده، به سازوکارهای حقوقی کیفری کلاسیک که سرکوب‌گرانه است، امید بسته، اکتفا می‌کنند. کشورهای دیگری، جرم را یک واقعیت اجتماعی ناشی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غالب در جامعه تلقی کرده‌اند و با اختصاص بودجه‌های تحقیقاتی و ایجاد مراکز پژوهشی جرم‌شناسی مستقل، برای شناسایی علل وقوع جرایم و رشد بزهکاری یا بعضی از مظاهر آن در بستر اجتماعی کوشیده‌اند تا راهکارهای غیر انتظامی- غیر کیفری مؤثر در مهار جرایم را آگاهانه تنظیم و اعمال کنند.

از آنجا که چگونگی و محتوای جهت‌گیریهای کلی سیاست جنایی هر دولت نیز جزو کارنامه حکمرانی- زمامداری آن دولت در عرصه‌های بین‌المللی و ملی ارزیابی می‌شود و ممکن است بابت آن، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی پردازد، دولتها بیش از پیش به مطالعات میدانی جرم‌شناختی و استفاده از راهکارهای جرم‌شناسانه در کنار سرکوبی کیفری روی می‌آورند. این راهکارها، سیاست جنایی را با واقعیت پدیده مجرمانه و ماهیت بزهکاری و گونه‌های جرایم ارتكابی که بخشی از آن ممکن است ناشی از سوء مدیریت و به طور کلی، ماهیت و جهت‌گیریهای سیاست جنایی آنها باشد، منطبق می‌کند و در نهایت، صرفه‌جویی در هزینه‌های قضایی- کیفری مبارزه با بزهکاری را موجب می‌شود؛ برای مثال، دولت فرانسه برای مهار بهتر بزهکاری، ضمن اصلاح سازوکارهای کیفری در سالهای اخیر، در ماه می ۲۰۰۶ م. به تهیه و تنظیم لایحه‌ای با عنوان «لایحه قانون راجع به پیشگیری از بزهکاری» اقدام کرده است که برای تهیه آن از یافته‌های میدانی، بهره فراوان جسته است (ر.ک: گسن، ۱۳۸۳: ۴۸ و ۲۵۱/۴۹) و بدین سان، در کنار حقوق کیفری

به حقوق پیشگیری (یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه) و اعمال تدابیر پیشگیرانه با مدیریت شهرداریها نیز بها داده است.^۱

با توجه به رشد پاره‌ای از مظاهر بزهکاری و دست کم انحرافات اجتماعی در سالهای اخیر و با توجه به اینکه مبارزه صرفاً سرکوبگر با پدیده مجرمانه (جرم/ انحراف) تاکنون در کشور ما نتیجه مورد انتظار را نداده است و بدین ترتیب، دولت را به طور مستمر ناگزیر از تخصیص بودجه و امکانات مادی- انسانی روزافزونی به نظام کیفری کرده است، باید از جمله نسبت به گشایش مؤسسات آموزشی- تحقیقاتی جرم‌شناسی در دانشگاههای بزرگ اقدام کرد. با تأسیس دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری جرم‌شناسی تخصصی که ذاتاً میان‌رشته‌ای است، به آموزش و تربیت جرم‌شناس متخصص نیز پرداخت و با پیش‌بینی ردیفهای استخدامی خاص به دورنمای شغلی این تخصص، جاذبه و جایگاه مستقل داد.

آموزش و مطالعات نظری جرم‌شناسی در پانزده سال اخیر پیشرفت تقریباً قابل توجهی را در دانشگاهها داشته است، اما با توجه به مشکلات ساختاری، هنوز نمی‌توان از آموزش و پژوهش تخصصی و کاربردی شدن یافته‌های جرم‌شناسی، به معنای واقعی آن، در سطح سیاست جنایی ایران سخن به میان آورد؛ به عبارت دیگر، مادام که پژوهشگران و استادان اندک جرم‌شناسی به واقعیات آماری، اجتماعی، قضایی و پلیسی بزهکاری و نیم‌رخ جنایی در کشور اشراف نداشته باشند، نباید از آنان انتظار ارائه راهکارهای جرم‌شناسانه را به منظور مقابله با جرم داشت.

در چنین شرایطی، از یک سو، قانونگذار دست کم در دو قانون مهم، به مناسبت تعریف وظایف نهادهای دولتی در مبارزه با بزهکاری و انحرافات اجتماعی، به طور ضمنی، انجام مطالعات و تحقیقات جرم‌شناختی را ضروری نموده است. یکی ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ است که در بند

۱. یادآوری می‌شود که قوه قضائیه در اجرای قسمت نخست بند «۵» اصل ۱۵۶ قانون اساسی، لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم را تهیه و تدوین کرده است که بیشتر مربوط به مدیریت پیشگیری در سطح ملی، استانی و شهرستانی است. این لایحه، اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است (ر.ک: نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۲۳ و بعد).

«د»، یکی از اصول و سیاستهای اجرایی نظام جامع را اعمال سیاست پیشگیری در حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی از سوی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تعیین کرده است. در این چارچوب، تلاش برای پیشگیری از ظهور یا گسترش انحرافات و مشکلات اجتماعی به عنوان یک سیاست هماهنگی فرابخشی باید مبنای عمل قرار گیرد. ماده دیگر، ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.م. مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۸۳ است که در مقام احصای محورهای پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی، این تکلیف را برای دولت مقرر داشته است که دولت باید نقاط آسیب خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری حاشیه شهرها و... را با اعمال راهبرد همکاری میان‌بخشی و سامانه مدیریت آسیبهای اجتماعی در مناطق یادشده، شناسایی کند.

از سوی دیگر، سازمان ملل متحد در کنوانسیونهای بین‌المللی - که ایران در سالهای اخیر به آنها ملحق شده است (مانند کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر و مواد روان گردان ۱۹۸۸ م.، در ماده ۱۴) یا در آستانه الحاق به آنهاست (مانند کنوانسیون مبارزه با فساد مالی ۲۰۰۳ م. یا کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ م.) و امروزه از منابع فراملی حقوق و سیاست جنایی کشورها به شمار می‌رود. در کنار تدابیر سرکوبگر کیفری، اداری و انتظامی متعارف، مواد چندی را به چگونگی پیشگیری از جرایم مرتبط و نیز بازپروری مرتکبان آنها اختصاص داده است. از جمله اینکه فصل سوم کنوانسیون ۲۰۰۳ م.، یعنی مواد ۵ تا ۱۴، به تفصیل، انواع تدابیر پیشگیرانه از جرایم اقتصادی- مالی و بند ۱۰ ماده ۳۰ آن، بازپروری و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران را به دولتهای عضو تکلیف یا توصیه کرده است (برای متن کنوانسیون، ر.ک: مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی).

آشکار است که پیش از هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای پیشگیری از بزهکاری و بازپروری بزهکاران، باید به جنبه‌های مختلف جرایم و مجرمان، یعنی مجموعه جرایم ارتكابی، عوامل و مناطق جرم‌زا، شخصیت بزهکاران، سوابق آنان و...، اشراف پیدا کرد و برای اعمال اقدامهای درمانی- پیشگیرانه، به تربیت کارشناس پیشگیری- بالینی اقدام نمود؛ بنابراین، می‌توان گفت که قانونگذار ایران و

بیش از پیش سازمان ملل متحد، آگاهانه یا ناآگاهانه، به آموزش، مطالعات و تحقیقات جرم‌شناختی به طور ضمنی بها داده‌اند، ولی باید دید که مسئولان دستگاه‌های دولتی، مفاد مواد دو قانون پیش‌گفته^۱ را چگونه دریافت و استنباط کرده، زمینه اجرای آنها را فراهم می‌کنند؟ آیا آنان نیز از این مواد استنباط جرم‌شناسانه می‌کنند؟ آیا از مواد کنوانسیونهای تصویب‌شده یا در آستانه تصویب که در حکم قانون است، برداشت جرم‌شناختی نیز دارند؟

به نظر می‌رسد که این نیز به نوبه خود، به آموزش و اشراف بر مباحث علوم جرم‌شناختی نیاز داشته باشد؛ بنابراین، ضرورت فراگیری جرم‌شناسی برای تصمیم‌گیران آینده و مسئولان کنونی، به منظور درک و اجرای سیاست جنایی قانونگذار و سازمان ملل متحد، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۱. گفتنی است که آیین‌نامه سازمان زندانها مصوب ۲۰ آذر ۱۳۸۴ ش. نیز در مواد ۱۹ و ۳۵ به تحقیقات و مطالعات کیفرشناختی از یک سو و استفاده از متخصصان کیفرشناسی در مدیریت زندانها و مراکز آموزشی و پژوهشی این سازمان تأکید کرده است.

کتاب‌شناسی

- آیین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۸۴ ش.
- دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست؟، چاپ دهم، مؤسسه کیهان، ۱۳۸۴.
- رحمدل، منصور، «آمار جنایی و کارکردهای آن»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۹-۴۸، سال ۱۳۸۳.
- عالمی، زهرا، *سیاست جنایی و گرایش پیشگیری آن در سازمان ملل متحد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مرداد ۱۳۷۵.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۸۳.
- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱.
- کنوانسیون مبارزه با فساد مالی ۲۰۰۳ م.
- کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر و مواد روان‌گردان ۱۹۸۸ م.
- کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰ م.
- کی‌نیا، مهدی، *مبانی جرم‌شناسی*، ۳ جلد، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- گسن، ریمون، «تحوّل سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب‌نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲»، ترجمه شهرام ابراهیمی، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۳.
- همو، *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰.
- لاسال، ژان-ایو، «تحوّلات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۱-۳۲، ۱۳۷۹.
- *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۲، ۱۳۸۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری عادلانه از جرم»، *علوم جنایی: نکوداشت نامه استاد دکتر محمد آشوری*، سمت، ۱۳۸۳.
- همو، «تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری» (دبیاچه) در: کیت سوتیل، مدیرا پیلو و کلر تیلور، *شناخت جرم‌شناسی*، ترجمه میرواح‌الله صدیق، نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
- همو، «جایگاه جرم‌شناسی در ایران»، *مجله کانون وکلای دادگستری*، شماره ۱۲، ۱۳۷۶.
- همو، «جرم‌شناس: صاحب یک تخصص علمی یا صاحب یک کار حرفه‌ای؟»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۶۷، سال ۱۳۷۱-۷۲.
- همو، *جرم‌شناسی (تقریرات درس در دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی)*، تهیه و تنظیم لیلا اسدی و بتول پاکزاد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم ۸۴-۱۳۸۳.
- همو، «زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟» (دبیاچه) در: بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، مجلد، ۱۳۸۲.
- همو، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
- همو، «نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۴-۱۳، سال ۱۳۷۲-۷۳.
- نجفی توانا، علی، *جرم‌شناسی*، چاپ سوم، آموزش سنجش، ۱۳۸۴.
- نوربها، رضا، *زمینه جرم‌شناسی*، چاپ سوم، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- نیازپور، امیرحسن، «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۹-۴۸،

- Gassin, R., *Criminologie*, Dalloz, ۵^e éd, ۲۰۰۳.

